

بازتاب آتش و نور در باورهای اساطیر ایران مریم فدایی

اسطوره‌ها آینه‌هایی هستند که تصویرهایی را ازورای هزاره‌ها منعکس می‌کنند و آنجا که تاریخ و باستان‌شناسی خاموش می‌مانند اسطوره‌ها به سخن می‌آیند و فرهنگ آدمیان را از دور دست‌ها به زمان ما می‌آورند و افکار بلند و منطق گسترده مردمانی ناشناخته ولی اندیشمند را در دسترس ما می‌گذارند اساطیر ایران باستان در این دنیای پر رمز و راز جایی والا دارد و شناخت آن رهنمون ما در شناخت فرهنگ غنی و پر ارزش این سرزمین است .

جان هینلز

آتش

آتش و نور در ایران باستان

آتش و نور در تمدنهای قبل از آریایی‌ها

آتش و نور در دین زرتشت

آتش و نور در تفکر اسلامی

حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار سال پیش که استفاده از آتش آغاز شد استفاده‌های گوناگون از آن گردید از گرم کردن تا پختن غذا و بیداری انسان و امنیت شبانه و شکار تا نیایش و پرستش آن و خلق خدای آتش .

آتش در ابتدا برای انسانها کارکردهای رمزی داشته است و همه باورهای مقدس به این اعتقاد داشتند که آتش عنصری اساسی است و نوعی وضع و حالتی است که نمی‌تواند واقعیت انضمامی داشته باشد زیرا آتش صمیمی در قلب و بر زمین و کائنات زنده است و هم در بهشت و هم در دوزخ قرار دارد . به گفته محمد بن احمد طوسی در عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات ((...آتش زایاست اگر به درستی حفظ و مهار شود محرک تولید است و بخشنده نیروهای جدید تا جایی که در افسانه‌ها گویند که ققنوس از شعله آبی که او را می‌سوزاند جان می‌گیرد و مادام که آتش است جهان تابع قوانین است زیرا که آتش است که جامد را به مایع و گاز تبدیل می‌کند...)).

آتش و نور مظهر وجود و وحدت است در بررسی اساطیر می‌توان به تقدس آتش اشاره کرد زیرا آتش یا آگهی در کتاب ودا - آذر در ایران - هستیا در یونان - وستا در روم - آگنیس سیزوتتا در لیتوانی - ستایش می‌شد .

دنباله طبیعی ستایش آتش تقدیس شدن آن است که در بین همه اقوام بوده و مظهر وجودی است که در نزد ایرانیان با احترام آن را می‌ستودند و از آنجا که آتش مظهر نور است انسان‌های اولیه خورشید را سرچشمه نور و روشنایی می‌دانستند و زمانی که بر آتش آگاه شدند برای آن قدرت خدایی قایل شدند و خورشید را مهم‌ترین محل تجلی آن دانستند حتی در دوران زرتشت هم از خورشید به عنوان شریکی در فرمانروایان جهان یاد شده است و جلوس جمشید شاه بر تخت را هنگام تحویل خورشید به برج حمل نام گذاری کردند و هرگز از خورشید و جمشید به همراه ۳ مورد دیگر به عنوان نیکوترین آفریده یاد می‌کند همچنین اوقات شرعی نماز هم تاکنون با زمان ۳ گانه خورشید در آسمان معلوم می‌شود نماز مانی به سوی آفتاب و ماه و نماز مسلمانان با طلوع و غروب خورشید و قسم یاد نمودن خداوند در قرآن به خورشید نشانه قداست نور و روشنایی است .

تمثیل خورشید در رمز پردازی‌های آیینی بیشتر برای فرآیند مردن و حیات دوباره به کار رفته و حتی رمز سیمرغ است و خورشید به عنوان خدای نور و روشنایی سرچشمه آن است .

ایرانیان باستان از تاریکی نفرت طبیعی داشتند و پیروزی نهایی نور بر تاریکی یکی از خصایص ویژه ادیان باستانی آنان است پس خورشید به عنوان نماد متقابل روشنایی و تاریکی و نهایتاً پیروزی نور است تا جایی که بعدها در دین زرتشت از برای آتش آیین‌های عبادی قرار دادند که یکی آتش افروزی جشن سده - شب چله - چهارشنبه سوری که تماماً با تقدس و بزرگداشت آتش مربوط است در گذشته جشن آتش را به منزله دعای دفع اهریمن می‌دانستند و به منزله تطهیر و پالایش قبول داشتند زیرا آتش به اعتقاد آنان تنها عاملی بود که (ور) می‌کرد یعنی داوری بود برای شناسایی خوب از بد که نمونه آن در اساطیر ایران گذشتن سیاوش از آتش می‌باشد و یا حضرت ابراهیم را در آتش انداختند و چون او پاک بود آتش گلستان شد و همچنین در اعتقاد مسلمین انسانها پس از رسیدن به بهشت و جهنم باید داوری شوند یعنی افراد گنهکار برای بخشوده شدن و پاک شدن از گناه ابتدا در آتش سوزانده شده و سپس ور شوند و آنگاه جایگاه آنها در بهشت برین است و یا اصطلاحاتی مانند قسم به نور - قسم به سوی چراغ است که نشان می‌دهد سوگند به آتش نزد ایرانیان سابقه کهن دارد و در گذشته اعتقاد داشتند که خورشید عامل نور و روشنایی و بیدار است و هرروز چشم خود را برای دیدن اعمال مردم باز می‌کند همچنین در دوران گسترش آیین میترا در ایران آنچنان نور و آتش تقدس داشت که حتی بین میترا و آتش ارتباط برقرار کردند و آتش را نماینده میترا می‌دانستند و در کنار آتش یا روبروی خورشید به میترا سوگند می‌خوردند .

در جشن‌های سده - یلدا - چهارشنبه سوری - مهرگان تماماً از نماد آتش استفاده می‌شود سوری به معنای سرخ است و جشن چهارشنبه سوری جشن طهارت هاست و بخشی از آیین مهری است جشنی که به خورشید در شب چله باز می‌گردد و جشن سده جشن ظاهر شدن آتش توسط کیومرث

است که موفق به کشف آن شد که نماد خورشید است و ایرانیان باستان در دوازدهمین روز بهمن آن را جشن می گیرند و آتش افروزی در شب اول فروردین ماه بر سر معابر از حضور هرمزد و بازگشت فرهران به سوی نوری باز گو می کند که بر کره خاکی می تابد که این رسومات بعدها در دوره اسلامی تبدیل به رسم هایی مانند روشن کردن شمع بر گور - شب جمعه - سفره عقد - بقاع متبرکه - ۳ شب چراغ روشن کردن بالای سر مرده گردید .

نقش چلیپا و خورشید و ماه و ستاره به صورتهای مختلف در تمدن های قدیم ایران دیده می شود که همگی به نحوی یادآور آتش و نور هستند این رمز ها را می توان در تمدن های سیلک کاشان - تل باکون فارس - شوش خوزستان به عینیه دید که بیشتر نمادین هستند چلیپا یا صلیب شکسته بر عناصر آتش و نور هم دلالت دارد و به همراه باد و آب و خاک عناصر یا آخشیک های مقدسی بودند که در حال حاضر در عصر جدید مشخص شد که این عناصر ۴ گانه طبیعی در تداوم طبیعت و کائنات نقش اصلی را بازی می کنند. (در آیات قرآن به صراحت از تقدس و اهمیت این ۴ عنصر حیاتی صحبت شده است و آنها را نشانه یگانگی ذات خدا می داند و حتی این نشانه های طبیعت را مظهر تجلی توحید دانسته و مشرکان را به مبارزه طلبی می خواند - آیات ۱۰ و ۱۱ سوره لقمان - آیات ۲۰ و ۲۱ سوره فجر - سوره نمل آیات ۱۰ تا ۱۳ - سوره ق - سوره اعراف - سوره مومنون). اولین بار در شوش خوزستان نقش چلیپایی ظاهر شد که قدیمی ترین اثر بر روی آثار سفالین این تمدن است که این رمز به صورت نگاره خورشید و ماه و ستاره و آتش است و نشان از تقدس آسمان و خورشید دارد (هرتسفلد باستان شناس آلمانی طی تحقیقات و کاوش های خود در شوش به این نماد برخورد کرد و آن را گردونه خورشید نام نهاد این نماد در کف یک ظرف قرار دارد که متعلق به ۵۰۰۰ سال قبل است - کتاب باستان شناسی ایران باستان نوشته لویی واندنبرگ). در خشندهگی نور ستارگان که نمادی از آسمان است و خورشید به عنوان عامل اصلی نور و گرما در نزد آنان تبدیل به خدایی گردید که پرستش می شد و چلیپا تصویری بود که فضا را به ۴ قسمت تقسیم می کرد و مرکز آن نقطه ایی قرار داشت که محور چلیپا است این طرح به صورت پیچی در تمام تجلیات روح هنر ایرانی دیده می شود بویژه که تشکیل دهنده آن یک فضای مثالی است که قبل و بعد از اسلام عنصر غالب بر اندیشه و تفکر و هنر ایرانی اسلامی بود و نشان از نور و روشنایی دارد و همان نور طبیعی است که با مظاهری مانند خلاقیت و روشنی مرتبط می باشد و به این دلیل است که هنر ایرانی در جستجوی نور و روشنایی است .



آرامگاه داریوش بزرگ
با طرح چلیپا

همچنین در اوستا این نماد در مرکز خورنه و یا فره ایزدی در شمالی نگاری های ایرانی ظاهر شد و حتی در معابد زرتشتی هم خود را به صورت گنبدی بر چهار پایه نشان داد و باغ بهشت یا پردیس ایرانی هم بر اساس آن پلان بندی شده است و نقش آن بر بشقاب های ساسانی - نگارگری - باغ ها - نقش قالی - مساجد ۴ ایوانی تماما از این نقش چلیپا به عنوان نمادی از خورشید و گردونه مهر استفاده نمودند و به این علت است که متفکران ایرانی به آن اقلیم هشتم یا عالم مثال گویند چلیپا به عنوان مظهري از نور و آتش رمز چهار عنصر مقدس است که بیانگر گردانندگی هستی بودند (آب - باد - خاک - آتش). رمزهای آتش و نور ابتدا بر سفالها آشکار شد که کارکرد آن نشان از توسل به این رموز در آیین مقدس ایران دارد بیشتر این نقوش رمزی جنب جادویی داشتند و بر سفالین ها نقش می شدند که بیشتر به معابد تقدیم می شد و قصد آنان تبرک و تقدس غذا و نوشابه های مقدس بوده که آن را از گزند و بدی در امان دارد (نمونه بارز این نوع آثار فوری های لوله دار سیلک کاشان است که در اطراف لوله آن بر روی بدنه ظرف نقش خورشید را ترسیم کرده اند



قوری لوله دار سیلک با طرح خورشید

همچنین به علت تداوم تاثیر نور خورشید به عنوان نور الهی بر این مواد سفالین های خود را در برابر خورشید خشک می کردند و از نیروی زایا و گرمای آن استفاده می نمودند تا امکان زندگی جاوید را فراهم کنند این باور آنان در شکل گیری عقاید مردم ایران باستان به روز رستاخیز و معاد را تقویت کرده است . حرکت مدور چلیپای شکسته آن را به صورت نقش خورشید تبدیل می کند که ما را به تفکر وحدت بخشی و تمرکز که بعدها در ادیان توحیدی به آن اشاره شد رهنمون است ذات و همزاد - رجعت به ازل - اتصال جهان پایین به بالا - وحدت با عالم مثال - وحدت در کثرت و کثرت در وحدت که رمز توحید و یگانگی خداوند است که در تفکر و اندیشه اسلامی دارای فلسفه عمیق و معنوی است که بحث در باره آن خارج از این مقوله است .



نقوش مختلف چلیپا

آتش در بین تمدنهای باستانی ایران بسیار مهم بود که یکی از این تمدن ها ایلام در دشت خوزستان است از آنجا که عناصر طبیعی نزد ایلامیان مقدس بود و یکی از مناطقی که از نقوش رمزی بر آثار خود بیشترین بهره را بردند ایلامیان بودند سرزمین مردم ایلام در دشت خوزستان را سرزمین مقدس یا (هل تمی) می نامیدند زیرا که به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و حتی مردم بین النهرین از این مردم بنا به این دلایل می ترسیدند زیرا سرزمین آنان را بلاد سحر و جادو می دانستند .

یکی از نقوش قدیمی از بازتاب آتش در باور این مردم نقش برجسته کورنگان است که مربوط به دوره ایلام کهن می باشد و آن تصویر یک آتشدان فروزان است که در مقابل آن ۳ نفر در حال نیایش هستند آتشدان نشانه روشنی و تقدس در محافل مذهبی ایلام بوده است و تا زمانی که زرتشت دین خود را اعلام نمود آتش نزد ایرانیان اولیه مقدس بوده است در نقش برجسته کول فره ایده نقش نیایش در برابر آتش را نشان می دهد و احتمالا نام خدای خورشید آنها به عنوان خدای آتش همان (نهوته) است.



نقش برجسته کول فره - دوره ایلامی

اهمیت استفاده از خورشید و ماه و ستارگان در گاه شماری مردم ایلام در معبد چغازنبیل نشان از تقدس آتش و نور نزد آنان است زیرا در هفت تپه و این معبد باستانی آفتاب سنج و رصد خانه قدیمی کشف شد که برای اجرای مراسم مقدس - پیشگویی - گاه شماری استفاده می شد و تمام مراسم قربانی برای خدایان و مراسم عبادت و نیایش و پیشگویی در مقابل آتشدان مقدس معبد چغازنبیل صورت می گرفت و اجرای مراسم های جشن و شادی و عزا می بایست در برابر آتش انجام گیرد در مراسم مقدس و جادویی و اسطوره ایی آتش همیشه حضور داشته و ارتباط نزدیکی با فرهنگی معنوی و مادی مردم ایران باستان دارد زیرا برای محاسبه روزهای مقدس به خورشید و ماه اتکا داشتند و برای امور کشاورزی - دامپروری - هم می بایست از گاه شماری خورشیدی استفاده کنند هنوز در ایران از تقویم و گاه شماری خورشیدی با عنوان هجری شمسی استفاده می شود و کشف آتش در جشن سده و ... رقص آتش در بین تمام اقوام رایج بود و نام خدای خورشیدی و ماه به همراه مراسم آیینی آنها در متون ایلام کهن آمده که یکی از آنها (ناهوته) خدای خورشید است و نان - هوته یعنی خالق روز به زبان ایلامی باستان .



آتشدان معبد چغازنبیل-ایلام میانی

در یکی از آثار متعلق به معبد اینشوشیناک مادل برنزی بدست آمده است که مربوط به ۱۲ قرن ق. م است که در آن مراسم آیین طلوع خورشید را به زبان اکدی بیان نموده و اجرای آن مراسم در کوههای انشان در شرق شوش بوده است همچنین نیایشگاه خدای خورشید در محوطه خارجی معبد چغازنبیل به نام نوسکو معروف است که سقف آن باز بوده و خدای نور و روشنایی در آن ستایش می شد فلز مربوط به این خدا جیوه بود زیرا درخشندگی زیاد داشت و نام این خدا در رابطه با اشارات و استدلالات ضمنی مذهبی در رابطه با آتش و روشنایی است و شاید چغازنبیل هم محلی برای نگهداری آتش مقدس بوده است زیرا در برخی از مقابر شاهی این معبد بقایای اجساد سوخته شده هم بدست آمد که مراسم تدفین اموات را نشان میدهد که احتمالاً طی مراسمی سوزانده می شودند ایلام سرزمین تولید کننده فلزات گرانبهاست پس دارای خدای آتش بوده که حامی فلزگران باشد . کارکرد رصد خانه آفتابی چغازنبیل و حتی زمین شیب دار در کنار معبد به سوی خورشید تمایل دارد و بسیار صیقلی و صاف مانند آینه است که نشان از استفاده نور خورشید به عنوان منبع تولید نور و انرژی است در گذشته اقوام ایرانی رسم داشتند تا تمام مردگان خود را به سوی خورشید دفن کنند که این عمل آنها ریشه در تقدس نور دارد تمام جشن های سال و نیایش ها با رصد خانه معبد ارتباط داشته که به نوعی به تقدس آتش و نور و خورشید باز می گردد همچنین در تمدن لرستان صفحات سنجاقی پهن از جنس مفرغ بدست آمده است که تماماً نقوش صورت یک زن به صورت خورشید در وسط آن قرار دارد که این نقش در دوره اسلامی به صورت پرچم شیر و خورشید ظاهر شد.



سنجاق برنزی - تمدن لرستان

در زمان آریایی ها نیایش و تقدس نور و آتش وارد مرحله تازه تری میشود گریشمن معتقد است که آریایی ها بیشتر نمادهای مادی و معنوی خود را از ایلامی ها گرفتند مانند استفاده از معابد روباز - ذکر گفتن - راه افتادن دسته به دنبال آتش- همراه شاه با آتش مقدس بودن (در دوره ساسانی و اشکانی که بوضوح بر روی سکه ها و نقوش آنان دیده می شود)- مغ خوانی - قراردادن ظرف آتش - استفاده از چهار تاقی - حلقه زدن به دور آتش همه بر گرفته از آیین ایلامی است . در فرهنگی آریایی آتش از مهمترین عناصر بود که برای آن اساطیر زیادی ساخته شده است در ایران باستان آتش را (آتر) می گفتند که بعدها به آذر تبدیل شد کلمه آتور بان به معنی نگهبان آتش یا آذر است که در دوره ساسانیان از طبقه روحانیان زرتشتی بودند .

آتش و نور در جهان بینی آفرینش جهان اهمیت ویژه ایی دارد زیرا آفرینش بنا بر باورهای ایرانیان باستان ۱۲ هزار سال است و در ۳ هزار سال اول که هرمزد امشاسپندان را آفرید که گوهر اولین آفرینش او روشنایی بود که از آن آتش - باد - آب - خاک پدید آمد او آتش و آب را برای گیاه آفرید و فرمود که آتش در پرستاری مردم باشد و در آفرینش جهان تنها آتش را بر خود پذیرفت. در فرهنگ هندو اروپایی آتش کانون اصلی ورسم هندوها و زرتشتیان است که در هند به آن آگنی گویند که هم ایزدی و هم زمینی است و باور بر این بود که آتش واسطه میان انسان و خدایان است و آگنی در تفکر هندوها راه خدایان نامیده می شود اما در تفکر زرتشتیان آتش پسر اهورا مزدا است و نشانه مرئی حضور اهورا و نمادی از نظم راستین اوست در باره آتش اسطوره هایی در دست است که یکی از آنها در سرود قدیمی زامیاد پشت آمده :

ستیز میان آتش و اژدی هاک بر سر فره ایزدی است اژدهاک قصد به چنگ آوردن فره ایزدی را دارد تا آن را خاموش کند آتر می شتابد و آن را نجات می دهد اما اژدی هاک باز می تازد و ناسزا می گوید و قصد خاموشی آتر را دارد که آتر دچار تردید می شود پس اژدهاک می تازد تا فره را به دست آورد که آتر باز او را تهدید می کند که تورا در شعله خود می افکنم تا هر گز نتوانی بر زمین اهوراگام برداری (پشت ۱۹ - بند ۵۹).

و این چنین فره ایزدی توسط آتش نجات می یابد این اسطوره درباره آتش نشان می دهد که آتش برای خیر می جنگد و به این علت در دعاها زرتشتیان از آن به نام (جنگجوی خوب دلیر) نام بردند همچنین ارتباط آتش زمینی با خدای آتش در این است که آتش به صورت رعد و برق آن دیوی را که مانع بارش باران است را شکست می دهد در دین زرتشت آتش نماد اهورامزدا و کانون عبادت‌های روزانه آنهاست و از مقدس ترین آتش ها همان آتش بهرام است که نه با خشکسالی بلکه با دیوان مینویی تاریکی می جنگد . آتش یا آذر در دین مزدیسنا از بزرگترین داده های اهورا و میانجی میان انسان و خدا است و او ست که نیایش های مردم را به بارگاه اهورا می رساند اهورا مزدا روشنایی جاودان و طبیعتش نور است این آتش در آسمان ماه ستارگان و حتی در اجاق می سوزد و تجلی اهورا است نقش آتش در دوره زرتشت به سمبل دین مزدیسنا تبدیل شد و حتی در جنگ بین خیر و شر از نور و آتش کمک می گیرند و هرمزد آتش را از اندیشه و خرد آفرید و فروغ ان را از نور و تن مردم را از آتش آفرید

هرمزد در گفتگو با زرتشت می گوید : ۵ چیز را نیکو تر از همه بیافریدم آتش بهرام - آتش تن مردمان و چهار پایان - آتش رستنی ها - آتش ابرها (رعد و برق) - آتش گر زمان که در ملکوت در مقابل اهورا روشن است (یسنا ۱۷ - فقره ۱۱).

مطابق با روایات ایرانی پس از کشف آتش ۳ فره باقی می ماند که جای آنها بر آذر فرنیغ - آذر گشنسب - آذر برزین مهر است که هر کدام از این آتشکده ها متعلق به یک طبقه از جامعه بودند . در شاهنامه فردوسی از آتش به عنوان فروغ ایزدی نام برده شده است و حتی در اسطوره زرتشت آمده که این فروغ ایزدی به شکل فره هاله ایی از نور و آتش ۳ شب در اطراف خانه ایی بود که زرتشت در آن هنگام در آن تولد یافت .

از آنجاکه آتش عنصری است که آلوده نمی شود و پلیدی را می سوزاند(در برخی از داستانهای اسلامی آمده که افراد پاک و مومن توسط آتش سوزانده نشده اند مانند داستان آهنگری که در یک لحظه خاص از زندگی خود مورد امتحان خدا قرار گرفت و چون پاک بود و بر شهوت خود غلبه نمود و حاضر به لمس نمودن زن بیگانه نشد به قدرت الهی آن دست او نسبت به آتش بی اثر گردید و می توانست آهن داغ را بردست خود بگیرد - این یکی از افسانه های ایرانی است که اعتقاد ایرانیان را نسبت به آتش می رساند) نگاهی از آن را به اردیبهشت بزرگترین امشاسپندان سپرده اند و در یسنا - مینوی خرد در لزوم ستایش و نماز در برابر آتش اشاره شده است در نقوش آرامگاه داریوش در نقش رستم و تخت جمشید و حتی سکه های ساسانی مجمر آتش دیده می شود که همگی دهان خود را پوشانده اند تا آتش را آلوده نکنند و داریوش بزرگ در مقابل آتشدان در مهراب نیایش می کند (نقش برجسته تخت جمشید).



نقش برجسته داریوش بزرگ
روبروی آتشدان مقدس

آتش عامل اثبات بی گناهی و پاکی است زیرا خود ان پاک است و هیچ گاه آلوده نمی شود مانند داستان سیاوش و گذشتن او از میان آتش است همچنین در سراسر گاهان ۸ بار به واژه آتش بر می خوریم که ۶ بار منظور همان آتش روز رستاخیز است که برای آزمایش به کار می رود و عبور از پل صراط و یا پل چینود در باب این آتش مطرح شده است در بند ۹ از یسنا ۴۳ سخن از نماز نزد آتش آمده و در قر

ان کریم هم نتیجه ظالمان گرفتاری در آتش است تا سوزانده شوند و پاک گردند و به بهشت وارد شوند ((...تو با آذر فروزان و آهن گدازان هر دو را خواهی آزمود و پاداش و پاد افره خواهی داد)) "یسنا" هات ۵۱-بند۹.

در یسنا از ۵ گونه آتش یاد شده است که همگی در بندهش توضیح داده شده است :

۱- آتش برزی سونگه : آتشی که پیش اهورا می درخشد و نام آن در کتب پهلوی (بلند سوت) است .

۲- وهو فریان : آتشی که در تن مردم و گوسفندان است و نام آن دوستدار نیکی است .

۳- اوروازشت : آتشی که در گیاهان است و نام آن (شادی بخش تر) است .

۴- وازشت : آتشی که در ابر است به معنی (پیش برنده تر است و آذر خش) .

۵- سپی نشت : آتشی که در جان به کار آید و نام آن (سپند تر) است که در پهلوی به آن (آتش افزونی) گویند .

یکی از مظاهر پنجم این آتش خورنه - فره است که نزد ایرانیان باستان مهم بود که همان فروغ و روشنی و شکوه و بزرگی است که از جانب اهورا به پیامبر یا رهبر داده می شود و خلاصه این آتش در اوستا به (فرنگه) یا خوره یا فره گویند و در اوستا به آن فر کیانی و ایزدی گویند که در زبان عام چهره نورانی - نور خدایی - فره ایزدی نام گذاری کردند (برای توضیح بیشتر فره و یا فروهر به پایان تحقیق و پانویشت رجوع شود)



نقش برجسته فروهر

ایزد آذر برای گشایش و پناه و آسایش و پاکی و شیوایی و هوشیاری و دلیری است زرتشت ذکر می دارد به نام (اهورنوریه) که بعد ها به (اهورنور) تبدیل شد که در آن خطاب به (ایریمن) است که همراه آتش جهان را پاکی می کند (در تفکر اسلامی روز نابودی زمین و زمان با انفجار کوهها و آسمان ها و سیلاب مذاب می باشد که همان روز رستاخیز است) .

(در ایران بهرام فرشته پیروزی - فروزنده ایزد آذر و دارنده نیروهای طبیعی انسانی و جانوری است و شاهین که نمودی از فرشته پیروزی است بر سر هر کس سایه بیاندازد پیروزی با اوست در اوستا بهرام یشت آمده که شاهین یا فرشته بهرام به ۱۰ گونه است که یک گونه آن به شکل شاهین بلند پروازی است که خود را به زرتشت نشان داد شاهین بنا بر بند ۱۹ بهرام یشت مظهر خورشید - تجلی آتش و پیک خورشید است) .

همانطور که ذکر شد در میان امشاسپندان فقط اردیبهشت است که با آتش در ارتباط است زیرا زیباترین امشاسپندان و نمادی از نظام جهانی است و نماینده این جهانی این امشاسپندان آتش است که مذکر می باشد و پس از هرمزد و بهمن سومین نیروی است که مانع اهریمن می شود و آفرینش مادی آتش با اوست اردیبهشت در نقش فرشته آتش مانند خود آتش مظهر و سمبلی از پاکی و طهارت است و از بین ایزدان هم ایزد مهر است که با آتش ارتباط دارد زیرا مهر دارای دشتهای فراخ است و کیفیات و صفات بسیار او معرف ارتباط آن با آتشکده کشاورزان می باشد که همان آتشکده آذر برزین مهر است همچنین اهورا مزدا - مهر - آناهیتا - هم به عنوان رمز های آتش و نور نام برده شدند زیرا این ۳ نقش را همزمان در معبد قیزقاپان دیده می شود که دو تای آن نقش خورشید و ماه است و در نقش برجسته اشکانیان در پالمیر برات آتش دیده می شود .

با توجه به قداست آتش و استفاده های معمول از آن - آتش در ایران باستان طبقه بندی شده است که بر ۳ اساس است :

۱- بر حسب انواع آتش آفریده شده

۲- بر حسب گروه های آینی

۳- بر حسب طبقات اجتماعی

در مطالعه خدایان اساطیری با نام های بر می خوریم که با آتش سر و کار داشتند مانند :

۱- اپام نپات : ایزد نیرومندی است که به تیزی اسب است و در نبرد خود به ضحاک دست می یابد

۲- تیشتر : خدایی که با باران ارتباط دارد او گرز خود را بر آتش می زند تا باران بیارد .

۳- ریبتون : گاهی با مفهوم آتش گیاهی بوجود می آید و او فرشته نگهبان آتش یا اردیبهشت هم هست .

۴- بهرام : وجودی انتزاعی است معتبرترین آتش زرتشتیان به نام اوست شاه پیروز آتش هاست به نام اورمزد این ایزد را به یاری می خوانند در برابر تاریکی .

۵- سروش : او با ایزد بانو (اشی) همراه است و نگهبان آتش است .

۶- آذر : آتش روشنی نشانه مرئی حضور اهورا مزدا است .

۷- نئیر یوسنگه : ایزدی که در بند ۶ آتش نیایش آمده و به جبرئیل و حامل وحی ترجمه شده است .

در گروه بندی آتش ها یک دسته به آتش های آیینی تعلق دارند که این آتشی معمولی است و شامل ۳ طبقه می باشد مانند : آتش دادگاه - آدریان - ورهرام .

آتش دادگاه در اجاق خانوادگی است که هرگز خاموش نمی شود - آتش آدریان در درجه دوم اهمیت است و مربوط به قبیله یا قریه است - آتش ورهرام بزرگترین آتش است .

آتش هایی که به طبقات اجتماعی تعلق دارند آتشی است که مردم را به ۴ طبقه تقسیم می کنند :

۱- طبقه آتوریان متعلق به پیشوایان مذهبی

۲- طبقه اره تیشتران متعلق به جنگیان

۳- طبقه واستریوشان متعلق به زارعین

۴- طبقه هوتخشان متعلق به صاحبان حرفه ها

آتشکده آذر گشنسب در شیز آذر بایجان مربوط به سرداران و جنگیان - آتشکده آذر برزین مهر در ریوند خراسان مربوط به دهقانان و زارعین - آتشکده آذر فروه یا آذر فرنیغ در کاریان فارس مربوط به پیشوایان مذهبی است .

در دین زرتشت برای نماز و عبادت آداب و اوقات مخصوص قرار دادند که با نور و آتش ارتباط دارد یعنی ۳ زمان : بامداد - نیمروز - شامگاه و ۵ بار در روز نماز می خوانند و محراب محل مطهر آداب دینی آنان بود که ۴ گوش بود و آن را با آب می شستند و ۴ زانو در مقابل آتش می نشستند در حالیکه وضو داشتند برای نیایش آتش چند وسیله حائز اهمیت است : آتشدان - آتشکده - پرستش سو (آتش و نور) .

آتشدان رمز صفا و پاکی و مهر بود و اشاره به این دارد که انسان باید قلب خود را پاک کند و مچمر آتش با ید با آتش ایمان و عرفان روشن شود و این آتش همان اندیشه نیک - گفتار نیک - کردار نیک است که باید هر سه از گناه پاک شود و بخور و بوی خوش آتشدان کانون تراوش اندیشه نیک است و آتشکده مکانی برای دادگری - درمانگاهی - آموزشگاهی بوده است که حفظ و نگهداری آتشکده به دلیل جایگاه بالای آن برای پاسداری آتش و عمل نیایش است و آتشگاه محلی برای دادگری در مانگاهی آموزشگاهی بود زیرا در آن موبد به دادرسی می پرداخت و ایزد مهر را نگهبان پیمان قرار می داد که به آن مکان (در مهر) می گفتند دوم درمانگاهی آن بود که به درمان جسم و روح مردم می پرداختند و سوم آموزشگاه بود که در آن کتابخانه هایی برای تعلیم دروس علمی و دینی و کشوری قرار داشت همچنین محلی به عنوان مخزن و انبار غنایم جنگی بوده است و محلی برای دریافت مالیات ها و امور وقفی و مکانی برای ورزش و سوارکاری و مسابقات در نظر گرفته شده بود (مسجد و مدرسه و بیمارستان و حمام و مکانهای وقفی در کنار هم در دوره اسلامی ساخته شدند که بیشترمدارس نظامیه ها و مکانهای وقفی آن در کنار همدیگر بر روی بقایای آتشکده ها می باشد) .

همچنین پرستش سو که برای تطهیر قلب و روح بکار می رفت زیرا زرتشتیان روح و قلب و وجدان خود را در برابر انوار محسوس مرئی متوجه نور حقیقی یعنی خدا می کردند تا از جسمانیت پاک شوند (...ای خدای هستی بخش دانای بی همتا ما در برابر این نور که پرتوی از انوار تستت به نماز می پردازیم و اقرار می کنیم که مدیون سپاسگزاری تمام بخشش های تو هستیم و بوسیله نیک اندیشی - نیک گفتاری - نیک کرداری رسیدن به نور ا خواستاریم ...)

شیدان شید و نورالانوار که همان وحدت بخشی و پیروزی بر پلیدی است در گذشته در فلسفه دین زرتشت بوده که به این معنی است کسی که به دل و روح خود صفا بخشد می تواند به نورالانوار یا شیدان شید نزدیک شود زیرا آنچه به نور الانوار باز می گردد همان فروهرهای مثالی است .

آتش مهر و محبت و علاقه به میهن در قلب می باشد و در گذشته آتش مظهر شاه و وحدت و روح کشور بود و در تمام سکه های ساسانی از زمان اردشیر منظره آتش دیده می شود که مراد از آن ادامه سلطنت شاه است که به آتش مربوط است و آتشکده آذر گشنسب علامت وحدت کشور و عشق به میهن و مقام روحانی شاه ساسانی بود زیرا قبل از هر جنگی شاه به این معبد می رفت و نذر می کرد و پس از فتح غنایمی را به آن اهدا می نمود .

بعدها با تثبیت دین زرتشت در دوره ساسانی به عنوان یک دین رسمی در ایران تقدیس آتش به عنوان یک اصل پذیرفته شد و آتشکده ها اهمیت یافت و اصول این آیین با ویژگی های آن در ارتباط با پرستش نیروهای طبیعی احیا گردید و نخستین آن خورشید بود و حتی در سکه های ساسانی نقش کلمه (آثر) دیده می شود .



انواع سکه اشکانی با طرح خورشید

رمز های آتش و نور بر هنر ساسانی کاملاً تجلی یافته است و حتی در عصر خسرو دوم این رموز وارد دین مسیح شد و طرح صلیب در مربع و طراحی بخش درونی استوپا های هندی هم بی تاثیر نبود نقش آتش و نور به صورتهای مختلف در تمام صنایع دستی اروپا موثر واقع گردید و تاثیر عظیمی بر فرهنگی و تمدن اسلامی گذاشت تا جایی که جشن های آتش به نوعی مجدداً احیا شد و حتی در بغداد اسلامی چهارشنبه سوری را جشن گرفتند و شب عید را آتش افروختند آیین مهرگان تا دوره مغول زنده بود و در صدر اسلام محل آتشکده ها را به دلیل تقدس مکانی آن تبدیل به مسجد کردند . دوره اسلامی دوره احیا و پویایی ارزش های فرهنگی ایرانیان است در این عصر آتش به عنوان عنصر مقدس نیایش نشد اما بهانه ای بود برای احیا ارزش های دیگر (شاه چراغ - سر چراغ - سوی چراغ) استفاده از نقوش نمادین آتش به صورت چلیپا - نقش خورشید در تمام صنایع دستی اسلامی به عینه دیده می شود از نقوش شمسه وسط قالی تا نقوش گل‌های پر پر - نقش شیر و خورشید و... که تماماً زنده کننده این فرهنگ است .

۴ عنصر در تفکر اسلامی جایگاه مهم دارند که همان عناصر چهار گانه طبیعت هستند که قران بارها آنها را به عنوان مظاهری از قدرت الهی خود در قران نام برده است یعنی آتش - آب - باد - خاک این ۴ عنصر متفاوت هستند و آتش در بالاترین مرتبه قرار دارد زیرا در اسلام جایگاه خاصی با عنوان نور یا نورعلی النور دارد .

نجم الدین رازی انوار و کیفیت ها و حالات روحی مربوط به نورها را طبقه بندی کرده است در مرتبه اول نور سفید که نشانه اسلام است - نور زرد که نشانه اعتقاد و ایمان است - نور بنفش که علامت احسان است - نور سبز که علامت اطمینان است - نور آبی که نشانه یقین است - نور سرخ که علامت حیرت قدسی و نور ذات است و این انوار می توانند جنبه بصری داشته باشند و به گفته رازی انوار جمال انعکاسهایی در خشنده از رحمت الهی آیند این انوار در حالات روحانی وجود دارند و در مقام های عرفانی و شهود روئیت می شوند و بر اساس درجات و مراتب جهان فوق محسوس عالم پدیده های محسوس به صور محسوس و معقول ظاهر می شود و از آنجا که حقیقت وحدت است وقتی به هر کجا نظر کنی در دو عالم نور و تاریکی فقط پرتوی از انوار الهی و صفات لطف و قهر او را می بینی .



بشقاب لعابداری نیشابور با طرح چلیپایی و خط کوفی
قرن ۴ ه.ق

رنگهای آتش و آفتاب نورهای جلالی اند و نور سیاه ذات است که نور علی النور است و جمیع انوار اسماء و صفات اوست زیرا بالاترین نور است که در آن به فنا می رسیم و این نور سیاه است که پرده ای است تاریک میان خالق و مخلوق که به آن کنز پنهان (گنج پنهان) گویند زمانی که سالک در سیر

و سلوک خود از مراتب انوار وابسته به اسما و صفات عبور می کند و برای دریافت تجلیات هویت الهی آماده می شود این هویت تحت تجلی و تمثیل نور سیاه بر او ظاهر می شود و دیده بصیرت او را تاریک می کند اما در درون نور ذات که سرچشمه حیات است ذات الهی در آن پنهان است .

در سوره نور آیه ۲۵ آمده است : خدا نور آسمان ها و زمین است .
در تفسیر این آیه آمده است که این آیات متضمن مقایسه افراد مومن به حقیقت ایمان با کفار است که نوری از ناحیه پروردگار به آنها می تابد (نور معرفت) فره الهی - فره ایزدی .
در سوره واقعه آمده : (آیا میبینید و به نظر دقت توجه می کنید هر آتشی که آن را روشن می کنید آیا شما ایجاد کردید ... پس در مقابل این نعمت تسبیح و سپاس کن به نام بزرگ خودت) .
خداوند در این آیه انسان را در مقابل نعمت آتش به تسبیح خود فرا می خواند آتش و نور در اسلام به صورت رمز بیان شده مانند قسم به نور - آفتاب - ماه - ستارگان - صبح گاه - آسمان (سوره های الضحی - فجر - طارق - بروج) .

در فرهنگ اسلامی شمع گرایی در شام غریبان در واقع رمز بازگشت نور و حضور دوباره قدیس در دل و خاطره هاست و شمع روشن کردن در سقاخانه ها رمز الوهیت و نماد شهیدان است شهیدانی که روح آنها همان روح فروهرانی است که باز می گردند و صور مثالی آن عالم ملکوتی اند که بنا به باور ایرانیان باستان در آخرین شب سال می آیند تا رابطی باشند بین انسانها و اهورا .

گنبد و بقعه و مرقد طلاایی همان رمز جبروت زمینی است و طلا رنگ خورشید و جلوه نور الهی است و گنبد رمز آسمان و گویای احدیت است و قنبدیل و محراب در مساجد به سان محل نور افشانی نور است که با دل مربوط می باشد و وحدت با خدا را نشان می دهد و با سوره نور ارتباط دارد رمز آتش و نور عصر باستان در فلسفه اشراق سهروردی به نوعی دیگر است از برجسته ترین اندیشه های این متفکر تطبیق عالم مثل افلاطون با فرشتگان مزدایی ابراز معنی حکیم کامل وجود نور قدوسی میان موجودات و پدیدار شدن موجودات از نور ذات خداست که تماما ریشه در باور زرتشت دارد او اردیبهشت را حافظ نور و آتش می داند و فره را نور ساطع از نور الانوار می شناسد کارکرد های رمز های نور و آتش در فلسفه اشراق او معنی شده و معنی آن بازگشت به اصل نورانی الهی و وحدت موجودات در نورانیت خداوند که پیروزی آتش بر تاریکی به سان پیروزی نور الانوار بر ظلمت جهل است .

توضیح نهایی:

با توجه به اینکه ۵ نیرو در نهاد آدمی وجود دارد و یکی از این نیروها فروهر است عالی ترین نیروی ۵ گانه هم محسوب می شود فروهر به دو مفهوم اوستا معنی شده است نخست به شکل مطلق به معنی روح مردگان و نیاکان که فروهر آنها به سان آفریده روحی باقی ماند یعنی نیروی اساسی حیات هر فرد قبل از آفریدن و به دنیا آمدن فروهرش در جهان بالا موجود است و چون فردی شکل می گیرد و زاده آن جوهر حیاتی در پیکرش حلول می کند و تا دم مرگ در پیکر او باقی است و پس از آن به جایگاه اولیه اش باز می گردد فروهر ایزد نگهبان و راست روان است و می توان فروهر را به پرتو خداوندی ذره مینوی شکل آسمانی و خدایی معنی کرد برای درک بهتر فروهر به این اسطوره دینی توجه می کنیم که قبل از اینکه جهان مادی با محتویاتش آفریده شود مدت ۳ هزار سال جهان مینویی پایدار بود و بنا به روایت بندهش اهورا در نور مطلق و فرهی کامل غوطه ور بود در بالا جهان روشنی و در پایین جهان ظلمت قرار داشت اهورا ابتدا به آفرینش جهان مینویی اقدام کرد در این جهان از گوشت و پوست و تن اثری نبود و همه چیز صور روحانی موجودات بعدی بود و این صور همه روح و اندیشه بودند جهان مینو ۳ هزار سال وجود داشت آنگاه اهورا اراده کرد تا جهان مادی را به شکل آورد پس فروهرها یا صور و اشکال معنوی و روحانی آدمیان و موجودات نیک از جماد و نبات و حیوان گفت و گو کرد که ما بلند به قالب مادی در آیند و در جهان خاکی زندگی کنند پس اهورا از آن صور معنوی موجودات مادی را آفرید و از این جهت است که در آغاز صورت و شکل اصلی مینویی و غیر مادی هر چیزی در جهان بالا بود و آنچه در قالب در آمده از روی صور اصلی آن است این صور معنوی همان صور عالم مثال است که افلاطون هم مبنای فلسفه ایون خود را بر اساس مبنای فلسفه فروهر نهاد زیرا از زرتشت و فلسفه او آگاه بود پس فلسفه ideas او متأثر از فلسفه فروهر است همچنین تمثلی از مولانا بیانگر همین اندیشه است _ سوره فرقان آیه ۲۵-۴۵ به این موضوع اشاره می کند و حاج ملا هادی سبزواری شارح مثنوی در تفسیر همان بیت مولوی (مثنوی دفتر اول ۴۲۵-۴۱۷) در تاکید این مطلب می نویسد در حکمت اشراقی فرشتگان مزدایی و مثل افلاطون به صورت یک حقیقت جلوه گر شد و وحدت نور که همان وجود است بر ثنویت ظاهر مزدایی و کثرت عالم مثالی افلاطون حکم فرماست بوعلی سینا دانشمند ایرانی به آیات نور استفاده حاج ملا هادی نظر داشته و در کلیت به هبوط فروهرها از عالم بالا به قالب جسمانی ناظر است و در آخر به بازگشت همان کبوتر (تعبیر بوعلی از فروهر انسانی) به مبدا اصلی اشاره می کند شیخ اشراق از قول زرتشت : فره نوری است که از ذات خداوند ساطع می گردد و بدان مردم بر هم ریاست می یابند و به کمک آن هریک به عملی و صنعتی متمکن می گردند (حکمت اشراق ۲۷-۲۸۲) سهروردی در رساله پرتو نامه گوید هر پادشاهی حکمت بداند و بر نیایش و تقدیس نور الانوار مداومت کند او را فره کیانی دهند و فر نورانی بخشد و بارقه الهی او را کسوت هیبت و بها بپوشاند و رئیس طبیعی عالم شوند و خواب و الهام او به کمال رسد (حکمت اشراق در فلسفه ایران باستان - ش ۲)

هفت رمز نمادین فروهر : رمز اول : نماد انسان کامل
رمز دوم: دست نماد نیایش (دعا)

رمز سوم: حلقه نماد پیمان الست
 رمز چهارم: دویال سه طبقه نماد اندیشه و گفتار و کردار نیک
 رمز پنجم: زمان بی آغاز و بی انجام و نماد ازل و ابد
 رمز ششم: دورشته آویخته از دایره زمان نماد دو گوهر همزاد
 رمز هفتم: دامن ۳ بند نماد اندیشه و گفتار و کردار بد
 غزالی رساله ایی به نام مشکوه الانوار دارد که با آیه (....نورالسموات و الارض) سوره نور شروع کرده و سپس به ثنویت کهن ایرانی نور و تاریکی که پس از او توسط سهروردی گسترش یافته بازگشته و اعلام داشته که نور تنها وجود حقیقی است و هیچ ظلمتی عظیم تر از ظلمت لا موجود نیست اما ذات نور ظهور یا تجلی است و تجلی همانا نسبت است (غزالی - برگ ۳ الف)
 جهان از ظلمت پدیدار شد ولی خدا از نور خود بر آن پاشید و هر بخش آن به فراخور نوری که دریافت با درجه ایی قابل رویت شد اجسام متفاوتند برخی تاریک برخی تار و برخی روشن و برخی روشنی بخش به این نحو مردم با هم فرق می کنند برخی از موجودات انسانی یکدیگر را تنویر می کنند و از اینجاست که پیامبر اسلام ص در قرآن (سراج منیر) خوانده شد (سوره احزاب ۴۶) یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی ال...بازنه و سراجا منیرا .
 خلاصه از متن کتاب: هفت رمز نمادین فروهر



طرح پرچم ایرانیان در زمان هخامنشی
 با نقش شاهین به عنوان نمادی از خورشید

منابع:

- ۱- آتش و نور در ایران باستان - اردشیر آذر گشنسب
- ۲- نور و آتش - آتشکده در آیین زرتشت - جهانگیر اوشیدری
- ۳- رمز برداری آتش - ژان پیر بابار
- ۴- مقام آذر یا آتش در فرهنگ اوستا - اردشیر جهانیان
- ۵- نشان راز آمیز یا گردونه مهر - دکتر بختور تاش
- ۶- اساطیر ایران - ا.جی کارنوی
- ۷- ادبیات مزدیستا - پور داوود
- ۸- الواح سومری - ساموئل کریمر
- ۹- الواح بابلی - ادوارد شی برا
- ۱۰- ایران ویج - بهرام فره وشی
- ۱۱- باستان شناسی ایران باستان - لوئی واندنبرگ
- ۱۲- پدیده های شگفت انگیز در آسمان و زمین - ولادیمیر مزنتسف
- ۱۳- پژوهشی در اساطیر ایران - مهرداد بهار
- ۱۴- جشن های ایران باستان - مراد ارورنگ
- ۱۵- جستاری درباره مهر و ناهید - دکتر محمد مقدم
- ۱۶- سرچشمه پیدایش جلیبا - نیهارت
- ۱۷- فروهر یا شاهین - مراد اورنگ
- ۱۸- قرآن مجید
- ۱۹- مجله چیستا - سال ۵ - ش ۴ آذر ۱۳۶۶
- ۲۰- حفاری دشت خوزستان - دکتر نگهبان
- ۲۱- ایلام در سپیده دم تاریخ - دکتر کیانی
- ۲۲- خورشید نیایش و خرده اوستا - موبد اردشیر آذر گشنسب
- ۲۳- هفت رمز نمادین فروهر - دکتر رحیم جاووش اکبری
- ۲۴- بغ مهر - احد حامی
- ۲۵- هنر ایران ماد و هخامنشی - پارت و ساسانی - رومن گریشمن
- ۲۶- مجله میراث فرهنگی - شماره ۱۲ - تابستان و پاییز ۷۳

۲۷- شعاع اندیشه و شهود فلسفه سهروردی – دکتړ غلامحسین ابراهیم دینانی
۲۸- سایت موزه ملی – موزه رضا عباسی – موزه سفالینه ها و آگینه